

ادامه از صفحه اول

### سیاست مسحور شدگی

شکست تلخ ۸۴، مقدمه تلخ سال ۸۸ بود که تاوان آن را هم احمدی‌نژادی‌ها و هم اصلاح‌طلبیان دادند. امروز، یعنی در آستانه انتخابات ۱۴۰۰، هیچ کانون‌های سیاسی با مسحورشدگان پای جاذبه‌های سیاسی با ایده‌های تک‌راری که بارها ناکارآمدی خود را عیان کرده‌اند، یا به میدان گذاشته‌اند. در غیاب کانون‌های جاذبه، چهره‌هایی نه‌چندان واجد شرایط ریاست‌جمهوری وارد گود شده‌اند و دست بر قضا درست تصمیم گرفته‌اند؛ چراکه در غیاب کانون‌های جاذبه، هر چهره سیاسی و هر جناح سیاسی از امکان پیروزی برابر برخوردار است. همان‌قدر سعید جلیلی شانس پیروزی دارد که قالیباف و دیگران. همه در موقعیت هم برابر قرار دارند، حتی اگر سیدمحمد خاتمی هم با به میدان بگذارد، چندان از این قاعده مستثنی نیست. از نیز ذره‌ای از کانون جاذبه خرداد ۷۶ است که از میدان نیروی آن خارج شده است. دوم خرداد ۷۶ ستاره‌های خاموش است که به سردی گراییده، گрім هنوز کورسوی نوری از آن در دل تاریکی دیده می‌شود.

در انتخابات ۱۴۰۰ آن کانون‌های جاذبه‌ای که کثیر مردم را مجذوب کرده تا همچون مسحورشدگان پای صندوق‌های رای بیرون، دیگر وجود ندارد. کانون‌های جاذبه یک مطالبه حداکثری را نمایندگی می‌کنند. این مطالبه حداکتری تقریباً تمام سلسقه‌های سیاسی، خواست‌های اقتصادی و اجتماعی را همسو کرده و به یک جهت خیره می‌کند. در طول تاریخ ایران مردم ما با کانون‌های جاذبه قدرتمندی روبه‌رو بوده‌اند. دو مقطع مهم ظهور این کانون‌های جاذبه، یکی جنبش مشروطه و دیگری انقلاب اسلامی ۵۷ بوده است. اگر خیرگی مردم در دوره مشروطه از سطرساز نوشته‌های تاریخی عیان است، هنوز هم بیسازند کوشش‌های جاذبه انقلاب ۵۷ بوده‌اند و هستند. اگر تولد رخدادها را در کانون جاذبه ببینیم، بیش از پیش می‌توانیم قواعد این کانون‌های جاذبه مقطعی را که در حیطه انتخابات یا در اعتراضات خیابانی یکبارگی تجلی می‌یابند، درک کنیم. انتخابات ۱۴۰۰ بدون کانون‌های جاذبه است و بعید است در فرصت پیش‌رو رخدادی شکل بگیرد که منجر به خلق کانون‌های جاذبه شود؛ هرچند رخدادها پیش‌بینی‌ناپذیرند، اما آنچه مهم است، اصرار و پافشاری دو طیف سیاسی برای مقابله با رخدادهایی است که منجر به پیدایی کانون‌های جاذبه می‌شوند؛ جناح‌ها و طیف‌های سیاسی که پیروزی خود را در مشارکت حداقلی مردم می‌بینند و اپوزیسیون خارج از کشور که مشارکت حداقلی، آنان را به ایده‌های خود امیدوار می‌کند. اما پرسش اساسی این است: آیا تاریخ مسحورشدگی به پایان رسیده و عمر کانون‌های جاذبه از دست رفته است؟

• برای درک دقیق و به‌کارگیری درست نظریه «نگاه ماتریسی» یا «کانون‌های جاذبه» به کتاب‌های «فضای نوین» (نوشته همبن بازرگانی، نشر کتاب آمه) و «همهن بازرگانی، گفت‌وگو و خاطرات و مقالات تحلیلی» (به کوشش امیرهوشنگ افتخاری‌راد، نشر نی) مراجعه کنید. با بهممن بازرگانی درباره ایده‌هایش در این کتاب‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم که به‌زودی منتشر می‌شود.

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

همبن بازرگانی

## سیاست

حسین دهقان در گفت‌وگو با «شرق»:

# دوره طایفه‌گرایی تمام شده



### اعظم ویسمه

حسین دهقان از اولین چهره‌هایی بود که کاندیداتوری خود برای انتخابات ریاست‌جمهوری را اعلام کرد. او معتقد است حضور یک چهره نظامی در انتخابات از حقوق شهروندی آنهاست و ورود سازمانی نظامیان به انتخابات است که ممنوع و خلاف نظر امام خمینی (ره) بوده است. او می‌گوید برای مردم حضور نظامی یا غیرنظامی در انتخابات فرقی ندارد و یک فرد با سابقه فعالیت در سپاه نمی‌تواند نظامی تلقی شود. مخالف معرفی وزرای کابینه دولت احتمالی خود برای رفع شائبه‌ها بود اما گفت برای او اصلاح‌طلب و اصولگرا معنی ندارد. صلاحیت افراد را در نظر می‌گیرد. گفت‌وگو با سردار دهقان به دلیل طولانی شدن جلسه او با بیش از یک ساعت‌ونیم تأخیر آغاز شد. در ابتدای مصاحبه او تأکید کرد بابت این تأخیر عذرخواهی می‌کنم و حتما در مصاحبه بنویسید من عذرخواهی کردم؛ چون ما می‌خواهیم بگوییم در آینده هرکسی مسئول شد، عذرخواهی را فراموش نکند و به میزان اشتباهاتش دامنه تنبیه و عذرخواهی اش هم متفاوت خواهد بود. مشاور زبان و بدن سردار توضیحات لازم را به او می‌دهد و به من توصیه می‌کند سؤالاتم را از پشت ماسک با صدای بلند بپرسم تا سردار بشنود و واکنش ناخودآگاه جمع‌کردن چهره را نداشته باشد. اگرچه سردار در این گفت‌وگو گفت که در دوران خدمتش چهره‌ای رسانه‌ای نبوده اما اکنون علاوه بر رسانه‌ها در شبکه‌های مجازی حضور گسترده دارد و سعی می‌کند خود را به محک مخاطبانش بگذارد. از رقبای انتخاباتی هم گله می‌کند که چرا اعلام حضور در انتخابات را به تأخیر می‌اندازند و نمی‌گذارند مردم فرصت کافی برای آشنایی با آنها را داشته باشند.

قانونی هم ندارد. حالا ملت انتخاب می‌کنند یا نه. فرض کنید انتخاب نکردند، دستشان را می‌بوسیم، لطف کردند؛ انتخاب کردند پایشان را هم می‌بوسیم که ما را به‌عنوان خادم خودشان قبول کرده‌اند و ماهم حتما در موضع خدمت خواهیم بود؛ در موضع قیافه‌گرفتن و آریاب نخواهیم بود.
**● در توییتی اشاره کرده بودید در همه امور معمولا با رهبری مشورت می‌کنید. برداشتی که از توییت شما شد به‌گونه‌ای بود که خواسته‌اید بگویید در مورد ورود به انتخابات هم از ایشان مشورت گرفته‌اید.**
از توییت من برداشت غلطی شد. سؤالی مطرح بود که آقای دهقان در چند دولت بوده است؛ هویت سیاسی ندارد یا دنبال قدرت است. من آنجا گفته‌ام که من باور ندارم که بگوییم کسانی که در سپاه خدمت کرده‌اند، دنبال کار هستند اما قیلا سیاسی بوده‌اند به این معنا که در آن مقطع از زمان، ضرورت خدمت و کشور و استقرار نظام را اولویت مردم می‌دانستند و وارد آن کار شدند اما در همه دوران خدمتشان هیچ‌گاه فارغ از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور نبوده‌اند. هیچ‌گاه به‌عنوان یک عنصر نظامی وارد عرصه سیاست نشده‌اند اما هیچ‌وقت از صحنه سیاسی غایب نبوده‌اند. بنابراین خیلی سخت است که چنین قضاوتی بدهیم و چنین برداشتی داشته باشیم که این کاندیداهای نظامی هستند که آمده‌اند حکومت را بنیاد کنند.

● **پس تذکری که منجر به حذف آن توییت شد، نبود؟**
خیر؛ هیچ تذکر و حتی هیچ توجه‌دانی نبوده است.
**● شما حضور فعالی در توییت دارید، در توییتی نوشته بودید برای «فداشدن» آمده‌ام. به نظرتان الان جامعه واقعا نیاز به «فدایی» دارد و فکر می‌کنید این شعارها مردم را در انتخابات جذب می‌کند؟ اصلا فداشدن برای چه؟**
این فداشدن یک تعریف ادامه‌دار دارد. من باورم این است که در کشور ما چند مقوله یا مفهوم جای خودش را پیدا نکرده است. اول پذیرش مسئولیت است. دوم پذیرش واقعیت است. سوم پذیرش هزینه برای تغییر واقعیتی است که می‌گوییم قابل قبول نیست. می‌توانم صریح بگویم در کشور ما کسی مسئولیت نمی‌پذیرد. رئیس‌جمهور می‌گوید، نمی‌گذارند، نگذاشتند، نشد. نماینده مجلس می‌گوید می‌خواهیم فلان کار را انجام دهیم، ملاحظاتی داریم. تاکنون هرکسی در این کشور مسئولیت گرفته وقتی در آن جایگاه قرار گرفته آن حوزه را نمی‌شناخته و انکار به زور در آن مسئولیت گذاشته شده که کار انجام دهد. اگر فرد با آگاهی تمام در یک مسئولیتی نشست، اولین بحث این است که واقعیت آن مسئولیت را بی‌پذیرد. حاضر باشد خودش را برای تغییر هزینه کند، نه اینکه سازمان را به نفع خودش برای گزارش‌سازی و ارتقا تغییر دهد. ما قرار بود خادم مردم باشیم نه آریاب مردم. قرار بود به خدمت‌کردن افتخار کنیم نه به گزارش‌سازی. قرار بود تولید منبع و ثروت کنیم نه بلعیدن و صیرف‌کردن برای خودمان. قرار بود کاری کنیم که آیندگان ما نسبت به ما در جایگاه رفیع‌تری در همه ابعاد باشند نه اینکه الان حس تحقیرشدگی

کمتر اشتباه می‌کنند. در کشور ما جریانات سیاسی می‌گردند کسی را پیدا می‌کنند که رئیس کنند. خب این که نشد… ما الان کسی را می‌آوریم و می‌گوییم روی شما اجماع کرده‌ایم، حالا می‌خواهیم شرکت سهامی درست کنیم. همه می‌خواهند سهم بگیرند. حالا که حزب نداریم باید از این عبور کنیم. ما و مردم. مردم پای کار بیایند، اگر کسی را انتخاب کردند، بعد هم پایش بایستند و او هم هیچ وقت به مردم بی‌وفایی نکند. اجماع‌سازی را من از این منظر می‌گویم. من می‌گویم در کشور تورم و فقر و گرانی وجود دارد، می‌توانم بگویم علنش این است که مثلا دولت فلان کار را نکرده است، خب اینکه مشکل را حل نکرد. تورم راه‌حل علمی دارد. امروز علم اقتصاد یا علم اجتماع برای همه پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی راه‌حل ارائه می‌کند. این‌طور نیست که پدیده را به امید خدا رها کرد. تورم وجود دارد، دورقمی هم هست. طولانی مدت هم هست، حالا می‌خواهیم حل کنیم. دلیلش آیا نقدینگی است یا جاپ پول و… راه‌حل اما باید اول بپذیریم، دوم به جای اینکه سیاسی‌اش کنیم و بگوییم اگر این دولت نبود این‌طور نمی‌شد. بگوییم این مسئله راه‌حلش چیست. این‌گونه می‌توانیم برای حل مشکلات به اجماع برسیم. باید خودمان را از متهم‌سازی خارج کنیم و اگر صرفا روی کسی علامت سؤال می‌گذاریم، بگوییم ناشی از سوءکارکرد یا عملکرد اوست. نه وابستگی او به یک جریان سیاسی. متأسفانه ما از قبل قضاوت کرده‌ایم. حالا علیه افراد مستند می‌کنیم. سیاسی پوشاندن با سیاست‌داشتن دوتاست. ما سیاست اقتصادی و سیاسی نداریم و همه پدیده‌های اقتصادی را سیاسی می‌کنیم و برایش راه‌حل نداریم.

● **آنچه در واقعیت سیاسی کشور با آن مواجه هستیم، جریان اصلاح‌طلب، اصولگرا و اعتدالیون هستند، در دوره گذشته آقای روحانی با اتلاف اصلاح‌طلبان به ریاست‌جمهوری رسید. شما می‌گویید به هیچ‌کدام از این جریانات سیاسی وابسته نیستید. دراین صورت کار برای شما در انتخابات سخت نمی‌شود؟ چطور قرار است با رقبایی که جریانات سیاسی پشت سرشان است، رقابت کنید؟**

همیشه در کشور بحثی به نام جریان سوم مطرح بوده است؛ یعنی ما دو جریان را پذیرفته‌ایم و جریان سومی هست که نه این است و نه آن، ممکن است همه این باشد و هم آن. می‌خواستم چیز دیگری بگویم. امروز مشکل جامعه ما چیست. مشکلات جامعه‌مان را باید دنبال کرد. یکی پیدا شود بگوید من راه‌حل دارم و قادرم تیم‌سازی کنم که مشکلات را حل کنم. من می‌گویم کارنامه این دو جریان سیاسی نشان داده که قادر به حل مشکلات نیستند؛ چون هر کسی که آمده گفته آن یکی نه، دعوا شروع می‌شود. از بعد از جنگ تا امروز فضای رقابت انتخاباتی همیشه در کشور فعال است. الان رقابت می‌کنیم یکی بالا بیاید. فضای رقابتی را بعد از انتخاب رئیس‌جمهور هم ادامه می‌دهیم. مسائل مردم ربطی به جناح‌های سیاسی ندارد. ما می‌گوییم «نه» به معنای نگاه سیاسی یا من یا تو. می‌گوییم «بله» به معنای اینکه همه ظرفیت مربوط به ملت است و باید در خدمتش باشد؛ بنابراین من به حول و قوه الهی در موضع ریاست‌جمهوری، نمی‌گویم شما اصلاح‌طلب هستی و حق نداری در این موضع کاری باشیدی. می‌گویم شما اصلاح‌طلب هستی، شایستگی این پست را داری، درعین‌حال شما که اصولگرا هستی شایستگی نداری. ما چه تأثیری دارد که ما کجای کار است. چون مردم به آن سقف انتظار گفته‌شده رای داده‌اند. تأکید می‌کنم ما حق نداریم به خاطر اینکه نظر مردم را جلب کنیم، حرف‌هایی بزنیم که می‌دانیم واقعیت ندارد. من معتقدم رئیس‌جمهور اختیارات کافی را برای اداره کشور دارد. می‌تواند تأییدکنار هر روند امور باشد. رئیس‌جمهور کافی است اول مسئله را خوب بشناسد، دوم راه‌حل علمی و واقع‌گرایانه نسبت به آن مسئله با توجه به محدودیت‌های خودش داشته باشد و سوم قدرت هماهنگ‌کنندگی و اجماع‌سازی داشته باشد. نمی‌دانم چرا ما حاضر نیستیم شاخص‌هایی را بگذاریم که از محدوده قضاوت فردی و از گرایش‌ها و سوگیری‌های حزبی و گروهی خارج شویم. این صورت دعوایی نداریم. سوگیری‌ها و منافع و منفعت‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها و ترجیح منافع فرد و گروه بر عامه مردم است که مشکل ایجاد می‌کند. ما منافع خودمان را می‌خواهیم و مردم این وسط مایه دعوای ما می‌شوند.

● **به نظر شما فردی که برای اجماع‌سازی در کشور انتخاب می‌شود، نباید از دل احزاب یا با اجماع روی کار بیاید؟ آیا در انتخابات نیاز به این اجماع‌سازی وجود دارد؟**
ما در کشور حزب نداریم. اگر حزب داشتیم شاید این صحبت درست بود؛ چون حزب مسئولیت می‌پذیرد، زندگی دارد و می‌خواهد در آینده بماند. برای خودش ایجاد کارنامه می‌کند. ملت نسبت به کارنامه او قضاوت می‌کنند. هیچ حزبی را پیدا نمی‌کنید که رهبری نامعین داشته باشد، رهبر حزب مشخص است. تشکیلات حزبی هم روشن است. واحد سیاسی، مطبوعاتی و ارگانش همه روشن است؛ یعنی ملت دائما می‌توانند در طول زمان آن حزب را قضاوت و ارزیابی‌کنند. در نتیجه ملت

روزنه

### در غیاب ژنرال‌های اصولگرارخ داد لشکر سربازان به تکلیف‌رسیده در صف ۱۴۰۰

● لشکر به‌تکلیف‌رسیده‌ها در اردوگاه اصولگرایی هر روز عریض‌تر و طولی‌تر می‌شود. این احساس تکلیف هم بیشتر سراغ سربازان لشکر رفته تا ژنرال‌ها؛ تا جایی که امثال ناطق‌نوری، محمدرضا باهنر، احمد توکلی، علی لاریجانی و… یا صراحتا از عدم تکلیف سخن گفته‌اند یا سکوت کرده‌اند. اما تقریبا نیمی از کابینه محمود احمدی‌نژاد اعلام کاندیداتوری در انتخابات ۱۴۰۰ کرده‌اند؛ تا جایی که یک عضو جامعه روحانیت مبارز گفته است: «نمی‌دانم علت چیست که وقتی نزدیک انتخابات می‌شود، به‌ناگاه یک احساس تکلیفی بر همه دوستان حاکم می‌شود و می‌خواهند ثبت‌نام کنند؛ نمی‌دانم چه کسی به آنان تکلیف می‌کند؟ شاید خودشان مجتهد شده‌اند! اما هرچه باشد، بهتر است پیش از حضور و اعلام آمادگی، برنامه‌های خود را به مردم ارائه دهند تا جامعه ببیند آنان چه کمکی به حل مشکلات خواهند کرد و بعد وارد کارزار شوند.

اگر چنین نیست هم واقعا نه وقت خود را بگیرند و نه وقت مردم را. ضمن اینکه اگر کسی دید که کاندیدایی از او شایستگی و توان بیشتری دارد، باید به کمک او برود تا او به ریاست برسد، نه اینکه افراد فراوان را با یکدیگر بر سر کرسی ریاست‌جمهوری به رقابت ببردازد. لشکر به‌تکلیف‌رسیده‌هایی که ثبت‌نام می‌کنند، یک مشکل دیگر را هم برای اصولگرایان شورای نگهبان ایجاد می‌کنند. طبق عرفی که خود نهاد شورای نگهبان این سالنامه داشته، معمولاً تعداد تأییدصلاحیت‌شده‌ها از هر دو جناح از عدد انگشتان دو دست برای انتخابات ریاست‌جمهوری فراتر نمی‌رفته است. این مسئله هم باعث شکل‌گیری بلوک رای و خردنشدن آرا و به مرحله دوم و سوم نرفتن می‌شود. شورای نگهبان عادت داشت از میان خیل چهره‌هایی که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کنند و اصولا ۹۹ درصد آنها هم مردم معمولی بدون داشتن شاخصه رجل سیاسی‌اند، به یک عدد قلیل از میان چهره‌های سیاسی می‌رسید؛ اما برای ۱۴۰۰ وضعیت به شکلی است که تقریبا نیمی از چهره‌های سیاسی اصولگرا رسماً یا تلویحا احساس تکلیف و اعلام کاندیداتوری کرده‌اند و درصورتی‌که ثبت‌نام کنند، شورای نگهبان باید یا اکثرشان را تأیید صلاحیت کند یا فیلتر را با هم‌بست‌تگ‌ترده دایره خودی‌ها را جمع‌تر. در این صورت، باید سخت‌گیرتر شود که قطعاً واکنش و بازتاب خوبی در خود جریان اصولگرایی نخواهد داشت و باعث ریزش‌های بیشتری در آینده خواهد شد. این مسئله‌ای نیست که از نگاه اصولگرایان نیز بنهان مانده باشد؛ برای همین حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین ابراهیمی گفته: «تعدد کاندیداها هم یک دردرسر برای شورای محترم نگهبان است تا بتواند احراز صلاحیت کند که هم وقت زیادی را خواهد گرفت و هم اضافه بر این در کل کشور هزینه‌هایی برای حضور افراد می‌شود که به نفع کشور نخواهد بود. البته وقتی به این کاندیداهای نگاه می‌کنیم، می‌بینم واقعا تعداد اندکی ویژگی‌های شایستگی‌های لازم را دارند که با این همه مشکلات در کشور وارد عرصه شوند. من واقعا در خیلی از آنان این را نمی‌بینم که شایستگی و صلاحیت لازم را دارا باشند. هرقدر کاندیداهای کمتر باشند، مردم بهتر می‌توانند انتخاب کنند. آثانی که تحت هر شرایطی کاندیدای می‌شوند، واقعا بعد از کاندیداتوری ار دیدند دیگری از او شایسته‌تر است، به نفع او کنار بروند تا یک کار درست انجام شود». ماجرا این است که این «احساس تکلیف»، به‌نوعی اسم رمزی یک رقابت درون‌گروهی نیز هست. اصولگرایان متأثر، به‌ویژه جریان جامعه روحانیت، مؤلفه، جبهه پیروان و… که از سویی خود را در حال حذف می‌بینند، چندان تمایلی به حضور چهره‌های جدید و جوان‌تر، به‌ویژه جوان‌تر و اصولگرایان متأخرتر مانند حامیان جریان نواصولگرایی، معتقدند حساب‌بیس‌داده‌ها باید کنار بروند و جا را برای جوان‌تر‌ها باز کنند. محسن پیرهادی، از نزدیکان قالیباف، در مصاحبه‌ای گفته بود: «احساس تکلیف تکلیف است. جا را به جوان‌ترها بدهید. البته نه جوانی که بی‌تجربه و تازه مدرک گرفته باشد؛ جوانی که توانمندی‌های مدیریتی و انگیزه خدمت داره».

### تناقض‌های اصولگرایانه

در انتقاد از موج تکلیف‌سوران، برخی اصولگرایان و رسانه‌هایشان از نامزدشدن دوباره کاندیداهای شکست‌خورده قبلی ابراز گلایه می‌کنند؛ با این ادعا که آنها که بارها خود را آزموده‌اند، دیگر نباید خود را در معرض آزمون قرار دهند. بخشی از اصولگرایی همچنان از حضور چهره‌های جدید و جوان‌تر استقبال می‌کند. یکی از سایت‌های اصولگرا قیلا در گزارشی نوشته بود: «پدرخوانده‌های جریان اصولگرا باید از حمایت افرادی بیرهزیند که در انتخابات‌های گذشته در معرض رای مردم قرار گرفته و موفق نشدند. طبق تجربه و تا حدودی بررسی‌های جامعه‌شناختی، فردی که یک بار در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورده باشد، به احتمال قوی امکان موفقیت در انتخابات دیگری را از دست خواهد داد. از طرف دیگر، در افکار عمومی از وی سابقه ذهنی وجود دارد، پس کار برای اجرای برنامه‌های جدید و مدون سخت می‌شود (چه این فرد در انتخابات مجلس رای آورده باشد و چه ریاست فلان قوه را بر عهده داشته باشد، در اصل قضیه تفاوتی نمی‌کند).

ادامه در صفحه ۳

<sup>[1]</sup> آگاهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساخت‌و‌بناهای فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه یک برابر رای شماره ۸۸۸۲/۳۱۰۰۰/۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۴ تا ۹۰/۱۲/۲۴ که در حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه یک ساری تصرفات مالکانه آقای انجم ریحانه یوسعی رسکتی کرزنه علی بنام نسبت به شه‌اندک یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۷۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۵۲ اصلی واقع در یک بخش یک ثبت ساری خریداری از مالک رسمی محرز درسته است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگاهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره استعلام پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدینوسیله از صورت نظر تفصیلاً مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م آلف ۹۹۷-۱۳۹۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۱-۱۱-۱۴۰۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۴-۱۱-۱۴۰۰
مهدي داودي رئيس اداره ثبت اسناد و املاك شهرستان ساري